

قطار همچنان در ایستگاه مانده بود و من به ساعت نگاه می‌کردم. «این قطار چرا راه نمی‌افتد؟» دلم هری ریخت. می‌ترسیدم همین الان بابام سروکله‌اش پیدا شود
«!مسافران مشهد! همه سوار شوند»-

آخیش! بالاخره قطار حرکت کرد. با شیطنت به دم قطار رفتم و به خانمی گفتم: «بیخشید، این قطار به مشهد
«میره؟»

«او بی‌محبا با نگاهی مشکوک جواب داد: «بله.» بلیط را با دست لرزانم به او دادم. سپس پرسید: «تنهایی؟
بدون آنکه پاسخی بدهم، خودم را مانند جومونگ به داخل قطار پرتاب کردم

در مرز بین ترس و شوق نشسته بودم. به شیشه خیره شدم و با خیال ایوان طلا و گنبد، نگرانی‌هایم را
فراموش کردم. ناگهان، دویدن مردی توجهم را جلب کرد. او که نزدیک‌تر آمد، نفس‌نفس‌زنان فریاد زد: «علی!
«می‌کشم»

در آن لحظه، دو دستی توی سرم زدم و فقط با خودم تکرار می‌کردم: «یا بالفضل!» آن مرد پدرم بود و تمام
تلاشم را کرده بودم که به مشهد بروم. حالا می‌ترسیدم اگر دستش به من برسد، کمکم نکند

بدون فکر، به زیر یک تخت پنهان شدم. صدای نعره‌های پدرم به گوش می‌رسید: «علی، دستم بهت برسه،
خودم می‌کشم!» صدایش به شدت نزدیک می‌شد. به خودم گفتم: «این مرد، من را حتماً می‌کشد!» همزمان
دانستم که او به که با دلهره گوش می‌دادم، ناگهان کفش‌های پدر را زیر پاهایش دیدم. از جایی که بودم، می
دنبال من است. خوشبختانه، بالاخره مهمانداران آمدند و پدرم را از قطار بیرون انداختند

پس از اینکه بیرون آمدم، قطار دوباره راه افتاد. بعد از نیم ساعت برای رفتن به دستشویی به سمت در رفتم.
ناگهان با یک کوپه مواجه شدم و دیدم پدرم نشسته و من جا خوردم. با نگرانی از اطراف پرس‌وجو کردم و
فهمیدم بله، پدرم همان‌جا بلیط خریده و قصد دارد کل قطار را بگردد تا من را پیدا کند

دوباره به داخل کوپه پنهان شدم. پس از ساعتی غیبت، سرانجام به نیشابور رسیدیم. پدرم باید پیاده می‌شد و
تنها دو کوپه باقی مانده بود که آن را ندیده بود. من به دعا و التماس پرداختم تا کوپه ما نباشد. من که حتی
نمازم را نمی‌خواندم، از شوق گنبد ایوان طلا، مدام می‌گفتم: «یا الله، یا الله!» خوشحال بودم چون خدا به
دعاهای بچه‌های بی‌نمازی نیز گوش می‌دهد

بالاخره پدرم را به زور بیرون انداختند و در حال خروج فریاد زد: «علی، بالاخره می‌ای خونه؟ آن وقت من تو را
«می‌کشم»

بالاخره به مشهد رسیدم و در روبه‌روی حرم ایستادم. با تمام وجود گفتم: «امام رضا! من به این می‌گم
«!موفقیت بزرگ»